

# موضوع شما





بلی، شما



عیسیٰ میگوید!

همانطور که پدر مرا دوست داشته است، من هم شما  
را دوست داشته ام. در محبت من بمانید.  
(یوحنا ۱۵:۹)



او پسر انسان، و از لحاظ روحانی پسر خدا است.  
خدا، این پسر را وارث کل کائنات گردانیده و بوسیله او  
همه عالم هستی را آفریده است. (عبرانیان ۱: ۲)



بلی، حتی شما!

به چیزی که آدمیان با دستهای خود برای او فراهم نمایند نیازی ندارد زیرا خدا است که نَفَس و زندگی و همه چیز را به جمیع آدمیان می بخشد. او تمام مردم را از نسل یک انسان آفرید تا در تمام سطح زمین ساکن شوند و برای آنان اوقاتی مقرر فرمود و برای بود و باش شان حدودی معین کرد. (اعمال رسولان ۱۷: ۲۵-۲۶)



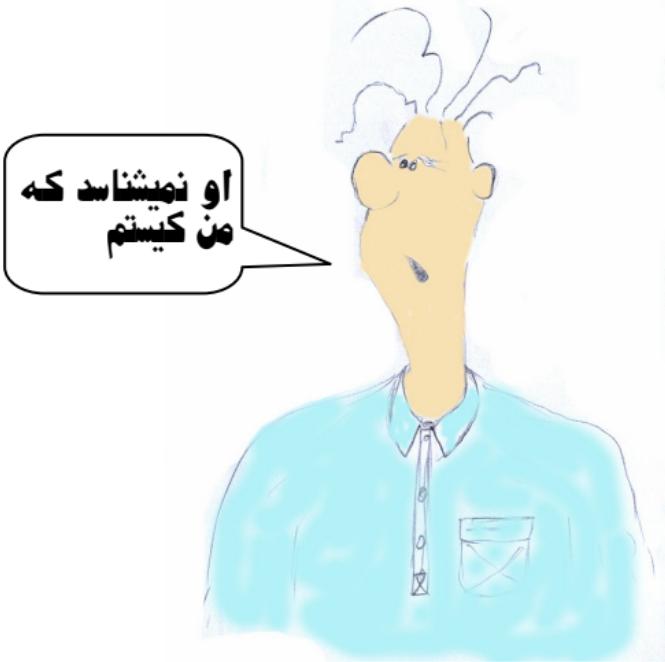
پس، او شما را دوست دارد

زیرا خدا به دنیا آنقدر محبت داشت که پسر یگانه خود را  
داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه صاحب  
زندگی ابدی شود. (یوحنا ۳: ۱۶)



## خدا دارد

و محبت خدا از این برمآ آشکار گردید که او پسر یگانه خودرا به دنیا فرستاد تا ما بوسیله او زندگی داشته باشیم. و محبت در همین است: نه آنکه ما به خدا محبت داشتیم بلکه اینکه او به ما محبت داشت و پسر خودرا فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. (یوحنا ۴: ۹-۱۰)



او نمیشناست که  
من کیستم

## بلی، او میشناشد

عیسی مسیح فرمود: حتی موهای سر شما شمرده شده است. (متی ۱۰: ۳۰)

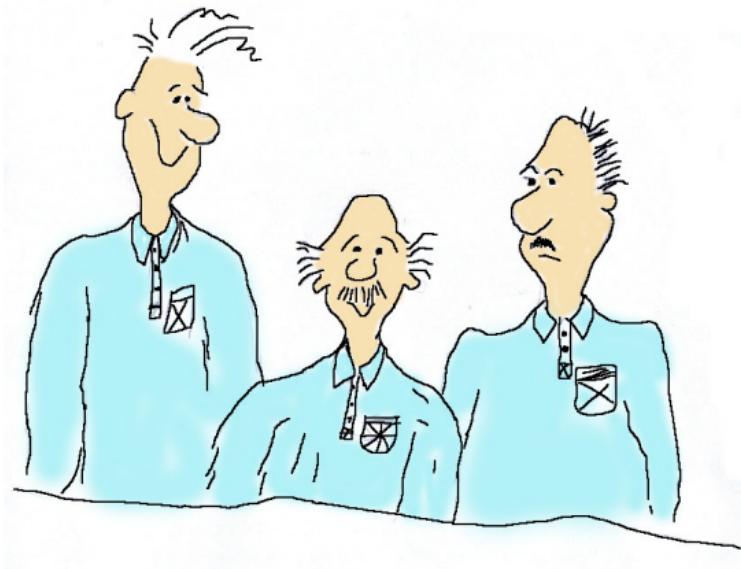
در آفرینش چیزی نیست که از خدا پوشیده بماند. همه چیز در برابر چشممان او برهنه و رو باز است و همه ما باید حساب خود را به او پس بدهیم. (عبرانیان ۴: ۱۳)



بلی،

اما خدا محبت خودرا نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است  
زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح بخارط  
ما مرد. (رومیان:۸)

محبت خدا برای شما طوری است که عیسی مسیح در  
این قصه گفت:  
((مردی بود که دو پسر داشت



پسر کوچکتر به پدر گفت: (پدر، حصة مرا از دارائی خود به من بده). پس پدر دارائی خود را بین آندو تقسیم کرد.



چند روز بعد پسر کوچک تمام حصه خودرا به پول نقد  
تبديل کرد و رهسپار سر زمینی دور دستی شد



در آنجا دارائی خود را در عیاشی به باد داد.



وقتی تمام آنرا خرچ کرد قحطی سختی در آن سرزمین رخ داد و او سخت دچار تنگدستی شد.



پس، رفت و نوکر یکی از ملاکین آن محل شد. آن شخص او را به مزرعه خود فرستاد تا خوکهایش را بچراند.



او آرزو داشت شکم خود را با خوراکی که خوکها میخورند پرکند ولی هیچکس به او چیزی نمیداد آخر به خود آمد و گفت: (بسیاری از مزدوران پدر من نان کافی و حتی اضافی دارند و من در اینجا نزدیک است از گرسنگی تلف شوم.

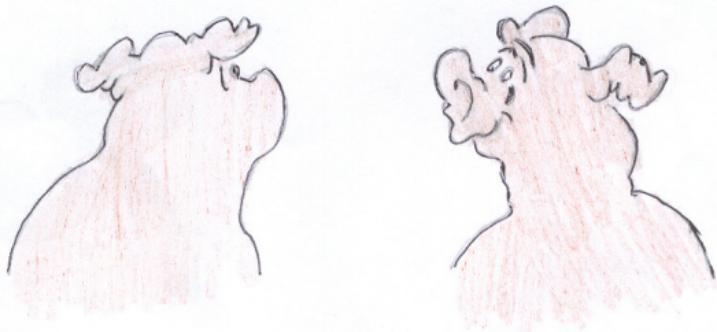
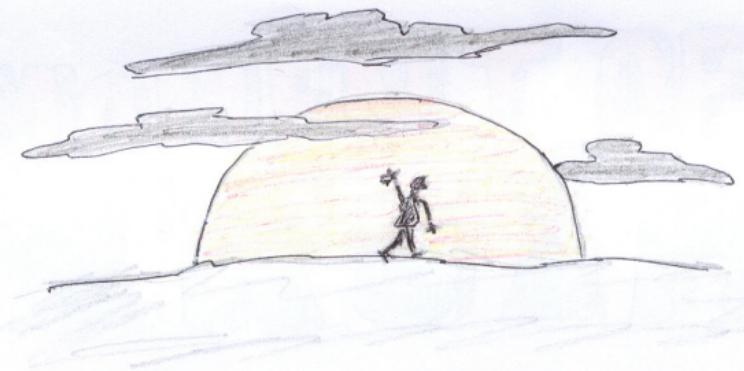


نوت: در آنوقت هم خوک منحیث یک حیوان کثیف و ناپاک محسوب میگردید.

من بر میخیزم و پیش پدر خود میروم و به او میگویم: پدر،  
من نسبت به خدا و نسبت به تو گناه کرده ام. دیگر لایق  
آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من هم مثل یکی از  
نوکران خود رفتار کن.)



پس برخاست و رهسپار خانه پدر شد.



هنوز تا خانه فاصله زیادی داشت که پدرش اورا دید و  
دلش به حال او سوخت و به طرف او دوید



دست به گردنش انداخت و به گرمی او را بوسید.



پسر گفت: (پدر، من نسبت به خدا و نسبت به تو گناه کرده ام، دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم)



اما پدر به نوکران خود گفت: (زود بروید. بهترین چن را  
بیاورید و به او او پوشانید! انگشتی به انگشتی و بوت به  
پاهاش کنید.



گوسله چاق را بیاورید و حلال کنید. تا مجلس جشنی بر  
پا کنیم.



چون این پسر من، مرده بود زنده شده و گم شده بود پیدا  
شده است.) باین ترتیب جشن و سرور شروع شد..)  
(لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴)





**بلی، اگر شما براستی بخواهید.**

عیسیٰ مسیح فرمود: هر که مرا دوست دارد مطابق آنچه  
میگوییم عمل خواهد نمود و پدر من اورا دوست خواهد  
داشت و ما پیش او آمدہ و با او خواهیم ماند.

(یوحنا ۴: ۲۳)

دزد می‌آید تا بذدد ، بکشد و نا بود سازد. من آمدہ ام تا  
آدمیان زندگی یابند و آنرا بطور کامل داشته باشند.

(یوحنا ۱۰: ۱۰)



این را بشنو!

عیسیٰ مسیح فرمود: به یقین بدانید، هر که سخنان مرا بشنود و به کسیکه مرا فرستاده است ایمان آورد زندگی ابدی دارد و هرگز ملامت نخواهد شد بلکه از مرگ گذشته و به زندگی رسیده است. (یوحنا: ۲۴)

عیسیٰ مسیح فرمود: من راه و راستی و زندگی هستم،  
هیچکس جز بوسیلهٔ من نزد پدر نمی‌آید. (یوحنا ۶: ۱۴)  
همه کسانی که پدر به من می‌بخشد به سوی من خواهند  
آمد و کسی را که پیش من می‌آید بیرون نخواهم کرد.  
(یوحنا ۶: ۳۷)

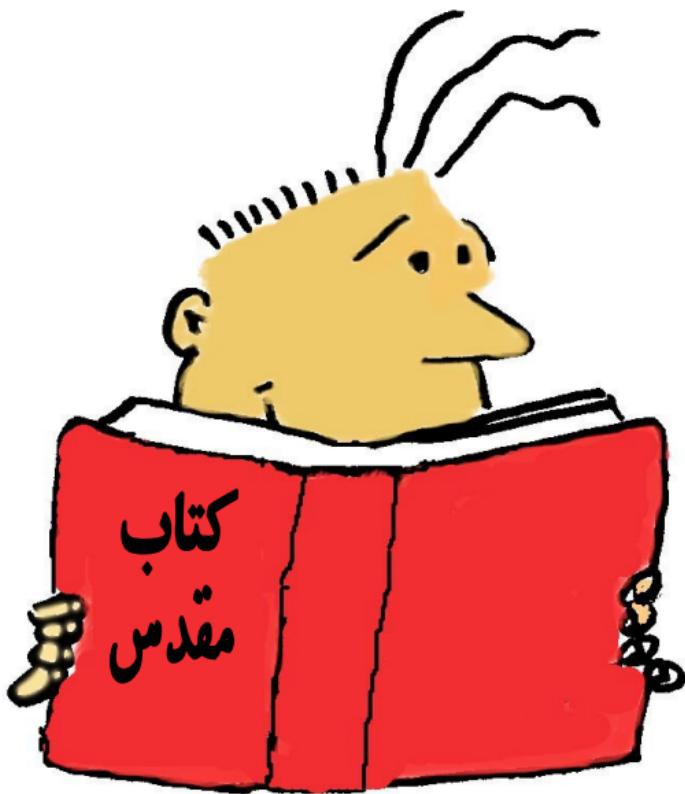


با کسی که خدا را میشناسد حرف بزن.

آنها شما را کمک خواهد کرد.

با خدا بواسطه دعا حرف بزن.

بیشتر کتاب مقدس را بخوانید.



**SGM International**

Dari (YM), 2006, 3. 5 m